

همایشهای برگزار شده در حوزه سیاست خارجی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

تهیه کننده: رضا حسینی

بررسی مسئله مردم شناسی فرهنگی در ایران

همایش «بررسی مسئله مردم شناسی فرهنگی در ایران» رأس ساعت ۹ صبح روز پنجم خرداد ماه ۱۳۸۶ در محل موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران در تهران برگزار شد.

در ابتدای همایش، دکتر حسین احمدی دبیر همایش، ضمن ارائه توضیحاتی درباره چگونگی شکلگیری این همایش، گفت: مردم ایران از اقوام گوناگون با پشتوانه تمدنی چند هزار ساله و غنای فرهنگی بالا در طول تاریخ در مقابل بیگانگان متحد بوده و مقاومت کرده‌اند. تلاش برای جدایی بخشی از خاک ایران در دوره‌های تاریخی متفاوت از جمله قاجار با توسل به قومیت صورت گرفته است و در دوره پهلوی نیز به نحوی این سیاستها به روشهای گوناگون ادامه یافت که آخرین آنها بحرین بود. احمدی افزود: اگر فداکاری ملت ایران از اقوام مختلف کرد، بلوچ، عرب، آذری، ترکمن، فارس و... نبود امروزه بخش عظیمی از خاک ایران به وسیله حکومت بعث جدا شده بود.

سپس آقای علی پورصفر، پژوهشگر ارشد تاریخ آذربایجان، با قرائت مقاله «تاتهارا بشناسیم» سخن خود را شروع کرد. وی گفت: تاتها مردمی هستند که به یکی از لهجه‌های بازمانده ایران باستان قدیم سخن می‌گویند و با وجود حوادث بشمارو استحالهای قومی و فرهنگی همچنان به حیات خود ادامه داده‌اند. به گفته عباسقلی باکیخانف بخش اعظمی از ناحیه باکو عمدتاً تات زبان بوده‌اند. زبان مردم آذربایجان تا قرون ۱۱ و ۱۲ ه‍.ق به‌طور عمده پهلوی (زبان باستان ایران) بوده و از حدود سیصد سال

پیش مردم این مناطق به زبان ترکی صحبت می‌کنند. به عقیده پورصفر مردم آذربایجان ترک نبوده‌اند بلکه ترک زبان شده‌اند. اغلب مردم ترک زبان آذربایجان، اردبیل، زنجان و قزوین نه به دلیل پیوستگی به قومیت ترک، بلکه بیشتر از جهت استحاله زبانی و فرهنگی، زبان ترکی را پذیرفته‌اند و بیشتر از آنکه ترک به حساب آیند، ایرانیانی هستند که اسلافشان، زبان ترکی را پذیرفته و ترک زبان شده‌اند.

آقای رحیم نیکبخت، پژوهشگر تاریخ آذربایجان و مدیر بخش تدوین اسناد و تاریخ شفاهی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، با قرائت مقاله خود «رهیافت تاریخ در مسائل آذربایجان» بحث خود را در مورد آذربایجان شروع کرد و مسائل قومی و واگرایی در آذربایجان را به چند دوره تقسیم‌بندی نمود:

۱. دوره جنگهای ایران و روس تا برآمدن دولت بلشویکی ۱۹۲۱-۱۹۱۷: در این دوره ایران‌زدانی و فارسی‌زدانی شروع می‌شود و زبان اداری از فارسی به روسی و همین‌طور نامها شروع به تغییر می‌کند و تا قزوین ادامه می‌یابد.

۲. از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵: موج سوم مهاجرتها، که تأثیرگذار بر مسائل قومی است، و نیز ورود غلام یحیی دانشیان به عنوان جاسوس به داخل ایران پیش می‌آید. در اینجا ما با یک رشته تحولات روبه‌رو هستیم از جمله: انتشار روزنامه به زبان ترکی و به کار بردن واژه‌های ترکی قفقازی در نشریات، دائر کردن چاپخانه، اجرای تئاتر و کنسرت، دائر کردن کلاسهای روسی با ترجمه ترکی، راه‌اندازی انجمن فرهنگی ایران و شوروی.

۳. دوره طولانی‌تر بعد از ۱۳۲۵ تا پیروزی انقلاب اسلامی (و دوران مصدق).

۴. از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ - فعالیت‌های قوم‌گرایی در این دوره، با توجه به دوران تثبیت انقلاب اسلامی، حزب توده و بقایای فرقه دموکرات در قسمتهای مختلف کشور فرقه‌های دیگر را مطرح می‌کنند و به آنها می‌پردازند.

۵. از ۱۳۶۰ تا ۷۱-۱۳۷۰

۶. از ۱۳۷۱ تا زمان حال.

آقای کریم جعفری، پژوهشگر و روزنامه‌نگار، با قرائت مقاله «نقش جریانهای خارجی در مسائل قومی خوزستان» در مورد مسائل قومی خوزستان صحبت کرد و گفت: اندیشه‌های تجزیه‌طلبی در خوزستان، از زمان شیخ خزعل، در قالب حمایتها و کمکهای مالی انگلستان شروع می‌شود. شیخ به شدت خواهان استقلال این مناطق بود اما با ورود ارتش نوپای ایران در سال ۱۹۲۵ تمامی آرزوها و بلندپروازیهایی وی از بین می‌رود و سخنران، در ادامه، به جنگ ۲۰۰۳ عراق می‌پردازد و فعالیت‌های پان‌عربیها در



زمان حکومت بعث عراق و ادامه فعالیت آنها (بعد از سرنگونی صدام) در کشورهایی نظیر عربستان و کویت و عمان اشاره می‌کند و می‌گوید انفجارهای اخیر اهواز در راستای حمایت‌های مالی و نظامی این کشورها از اندیشه‌های این افراد است.

جلسه دوم به ریاست آقای دکتر علی اشرف صادقی زبان‌شناس و استاد دانشگاه تهران با قرائت مقاله «زبانهای اقوام ایرانی» آغاز شد. وی گفت: زبانهای ایرانی از قدیم یک شکل واحدی داشته که از آنها چیز مدونی وجود ندارد. آن زبانها را اصطلاحاً ایرانی باستانی می‌نامند. او از زبانهای فارسی باستان که در کتیبه‌های هخامنشی آثاری از آنها به چشم می‌خورد، و زبان اوستا که در شرق ایران بین مرز ایران و افغانستان و از اقوام سکاییهای شرقی، از اقوام اسکوت که در اطراف دریای سیاه تا کوههای قفقاز هستند و از اقوام ایرانی‌ای که به این زبانها گویش می‌کرده‌اند نام برد و گفت شرقی‌ترین زبان ایرانی اکنون در چین در منطقه ترکستان رایج است و جنوبی‌ترین زبان ایرانی نیز در جزیرهٔ دماغه عمان در منطقهٔ مسندم در بین قبیلهٔ کنازره که در قرنهای ۵-۴ ه. از ایران به آنجا کوچ کرده‌اند و اولین بار در سال ۱۹۰۳ توسط افسران تامسون شناسایی شده‌اند، رواج دارد. و در ادامه افزود: مردم ترکستان چین تا نزدیکیهای آنکارا به زبانهای ایرانی صحبت می‌کنند؛ حتی در قدیم شعرای تاشکند، طبن اسناد، به زبان ایرانی شعر می‌سروده‌اند، مرز اقوام ایرانی و ترک زبان بوده است.

او به دانشمندانی مثل ابوریحان و ابن سینا اشاره کرد که به زبان ملی خود، یعنی فارسی، تکلم می‌کرده‌اند و کتابها نوشته‌اند. به عقیده ناطق، زبان مردم آذربایجان قدیم پهلوی بوده است. دکتر صادقی گفت: سیصد روستا در آذربایجان امروزه به زبان پهلوی صحبت می‌کنند و تا قرن گذشته مردم اسکو به زبان پهلوی صحبت می‌کرده‌اند.

آقای احسان هوشمند سخنران پایانی جلسه بود که با قرانت مقاله «قوم‌گرایی در ایران معاصر و زمینه‌های آن» به ایراد سخن پرداخت، و گفت ایران مجموعه‌ای از گروههاست و نباید آن را قومیزه کرد و همزیستی داوطلبانه میان ایرانیان بسیار گسترده است. وی افزود: منظور از اقوام ایرانی آن گروههایی است که در حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی مستقر بوده‌اند و ضمن اشتراک با دیگر گروهها بر ساختن این فرهنگ و تمدن و همزیستی غیرقابل تفکیک با دیگر ایرانیان همت می‌گمارند. در این تعریف کرد، بلوچ، عرب، آذری و... در مقابل ایرانیت قرار نگرفته‌اند بلکه جزئی از ایرانیت محسوب می‌شوند. به عقیده هوشمند: قوم‌گرایی یک ایدئولوژی است که اقوام گوناگون گویا در تلاش‌اند از هویت و فرهنگ گروه قومی دفاع کنند و قومیتها را رو در روی یکدیگر قرار دهند و در پی مطالباتی چون خودمختاری هستند.



همایش بازخیزی اسلام انقلابی در بین‌النهرین، عراق امروز، چالشها و چشم‌اندازها

همایش «بازخیزی اسلام انقلابی در بین‌النهرین، عراق امروز، چالشها و چشم‌اندازها» رأس ساعت ۹ صبح روز یکشنبه هفدهم تیر ماه ۱۳۸۶ در محل مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران در تهران برگزار شد. آقای دکتر حسین احمدی، دبیر همایش، ضمن خوشامدگویی به حضار، به بیان توضیحاتی درباره چگونگی شکل‌گیری این همایش پرداخت و گفت: «به یقین روابط دو کشور دوست و برادر ایران و عراق در بهترین وضعیت تاریخی است و برقراری ثبات و امنیت نه تنها به نفع ملت مسلمان عراق، بلکه در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران نیز می‌باشد».

وی افزود: ملت عراق همواره در مقابل دولتهای استعمارگر، بالاخص انگلیس، مقاومت کرده و نکته قابل توجه، رهبری مراجع و روحانیون بلندپایه و تأثیرات مثبت

حوزه‌های علمیه نجف در این مبارزات می‌باشد. احمدی گفت حمایت‌های جهانی از صدام حسین برای مدتی روابط حسنه دو کشور را دچار اختلالات شدیدی کرد که این امر نتیجه حمایت‌های تسلیحاتی شوروی و اطلاعاتی آمریکا و همپیمانان غربی او بود که منجر به جنگ تحمیلی و بمباران‌های شیمیایی ایران و مناطق کردنشین گردید. سخنران مطالب خود را با ذکر این سؤال به پایان رساند: آمریکایی‌های مستقر در عراق که در برابر تروریست‌ها ناتوان و عاجز مانده‌اند چگونه می‌توانند نظم نوین جهانی را در دنیا پیاده کنند؟

جلسه اول به ریاست آقای علی‌اصغر محمدی مدیرکل خاورمیانه وزارت امور خارجه آغاز شد. آقای رسول جعفریان استاد دانشگاه، اولین سخنران جلسه، در مقاله خود «تعامل مذهبی جنوب ایران با جنوب عراق» گفت: زادگاه تشیع عراق بوده که تشیع از آنجا به نقاط دیگر گسترش یافته و تا به امروز همچنان مرکز و تکیه‌گاه تشیع است و در قرن سوم از قم به کوفه صغیر یاد می‌کرده‌اند. بعد از اینکه کوفه مرکزیت خود را از دست می‌دهد مرکز تشیع به بغداد منتقل می‌شود. ناطق، در ادامه بحث، با ارائه ادله تاریخی، به اثبات مدعای مرکزیت تشیع در عراق پرداخت و گفت با کشتن و نابود کردن تعدادی از شیعیان در عراق نمی‌توان قدمت چند صد ساله تشیع در عراق را نادیده گرفت.

آقای مهندس محمد مجید الشیخ، سفیر محترم عراق در تهران، دومین سخنران جلسه بودند. سفیر محترم، ضمن اشاره به تاریخ پرفراز و نشیب و شگفت‌انگیز عراق اظهار داشتند: این کشور زادگاه انبیا و مکان خاکسپاری ائمه اطهار علیهم‌السلام است و از مهد تمدن بودن این منطقه سخن به میان آوردند و به استقلال این کشور در جامعه جهانی و مشکلات آن تا به حال اشاره‌ای کوتاه کردند. از مبارزه با استعمارگر پیر انگلیس و قهرمانیها و دلاوریهای مردم در برابر آنان سخن گفت و به رژیم منفور و نامشروع و مستبد صدام و فداکارها و مبارزاتی که مردم غیور این سرزمین برای سرنوینی رژیم دیکتاتوری صدام از خود نشان دادند و نسبت به برپائی دولت دموکراتیک، عدالتخواه، آزادبخش و مدافع حقوق بشر فعالیت نمودند، اشاره کرد.

وی در پایان گفت: عراق امروز خواهان حسن همجواری با همه همسایگان و تمامی کشورهای جهان براساس روابط متقابل و در برگیرنده منافع و مصالح ملی و خواستار بازسازی و نوسازی و ساخت سرزمینی شد که دارای فرهنگ و تمدن غنی در طول تاریخ بوده است.

آقای محمد عمرانی، معاون ستاد ویژه عراق در وزارت خارجه، به آخرین تحولات روابط دو جانبه و استراتژی ایران در عراق پرداخت و گفت: وجود حدود ۱۴۰۰ کیلومتر

مرز آبی و خاکی مشترک و اشتراکات مذهبی و فرهنگی در روابط دو کشور از نوع خاصی است و به آن توجه خاصی باید داشت. وی، با اشاره به سرنگونی صدام و حضور دشمن اصلی و دیرینه انقلاب اسلامی در کنار مرزهای جمهوری اسلامی ایران، به سیاستهای مسئولان در برخورد با این مسئله پرداخت و به نقش جمهوری اسلامی ایران در ابعاد سیاسی، بین‌المللی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و بازسازی در عراق اشاره کرد.

جلسه دوم به ریاست آقای قریشی مدیرکل اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه برگزار شد.

این جلسه با سخنرانی آقای سیدریاض حکیم، از روحانیون حوزه علمیه نجف، در مورد «منابع قدرتمندی شیعیان عراق» آغاز شد. وی مشکل عراق را در ساختار سیاسی آن بیان کرد و افزود از زمان تسلط بعثیها در این کشور و سپس تسلط صدام حسین، فشار روزافزونی بر شیعیان وارد آمد که نمونه‌های بارز آن عبارت است از خروج علما از کشور، سیطره بر حوزه‌های علمیه و مرجعیت شیعه و محدود کردن عتبات عالیات، جنگهای متعدد و کشتار دسته‌جمعی شیعیان و خروج صدها هزار ایرانی تبار و غیر ایرانی تبار شیعه و وضع قانون صدور شناسنامه عراقی برای هر عرب غیر عراقی. آقای مهدی انصاری، از روحانیون حوزه علمیه قم نیز از دیگر سخنرانان این جلسه، گفت: هر کجا دین کنار رفت و سیاست تنها ماند آنجا فاجعه به‌پا می‌شود و شخصیهائی مانند آتاتورک در ترکیه و حزب بعث در عراق رشد می‌کنند. وی افزود: القاعده در عراق درصدد حذف حوزه‌های علمیه و دگرگون کردن اوضاع سیاسی بغداد به نفع خودشان است.

آقای سید محسن حکیم نیز از دیگر شرکت‌کنندگان این جلسه بودند که در مقاله خود «مدل نظام سیاسی نوین عراق»، ضمن اشاره به آپارتاید قومی داخل عراق، گفت: ما بعد از سرنگونی صدام و رژیم بعث در عراق با یک دوره جدید روبه‌رو هستیم که دارای ویژگیهایی است از جمله: ۱. مشارکت سایر طیفها، ۲. توافق در امور استراتژیک و راهبری، ۳. مردمسالاری، ۴. فدرال، ۵. ایجاد روابط حسنه با سایرین، ۶. پویاسازی نهادهای مدنی.

سپس به مشکلات فراروی نظام جدید پرداخت و گفت: تروریسم و توطئه‌های خارجی و مشکلات باقی‌مانده از رژیم سابق و فساد اداری از جمله عواملی است که مردم و مسئولان عراق با آن روبه‌رو هستند.

جلسه سوم به ریاست آقای دکتر موسی حقانی مدیر پژوهش مؤسسه مطالعات



تاریخ معاصر ایران برگزار شد. ایشان اظهار داشتند که ملت عراق ملتی قهرمان، مبارز و صبور است و این خصوصیات از سالهای ۱۹۲۰ به بعد، با قهرمانیهای این مردم در مبارزه با استعمارگران، به خصوص انگلستان، خود را نمایان کرده است؛ ملتی که در طول حکومت نامشروع بعث، رنجها و مشقتها کشیدند و در راه آزادی و شرافت خود کشته‌ها دادند. ایشان آمار کشته‌ها در دوره حزب بعث و حاکمیت صدام را در حدود شش میلیون نفر اعلام کردند.

در ادامه، آقای کنعانی معاون رئیس دفتر اتحادیه میهنی کردستان عراق در تهران، ضمن اشاره به نقش مهم کردها در سرنگونی رژیم بعث عراق، گفت: اپوزیسیون کرد در حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه میهنی کردستان عراق به زعامت جلال طالبانی جبهه قدرتمندی را در شمال و جنوب کردستان تشکیل داده‌اند و این جبهه همواره خواهان عراق دموکراتیک و فدراتیو بوده است.

سپس آقای ماجد غم‌اس، رئیس دفتر مجلس اعلای اسلامی در تهران، به روند پیدایش مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق پرداخت و اوضاع سیاسی عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و متعاقب آن جنگ صدام با ایران و نیاز مبرم به پر کردن خلاء رهبری در صحنه سیاسی عراق و ضرورت سازماندهی اقدامات مشترک اپوزیسیون اسلامی این کشور را از دلایل اصلی و مهم پیدایش این مجلس دانست.

در ادامه آقای صفاء‌الدین تبرانیان به نقش خاندان حکیم در تحولات عراق و ویژگی‌های این روحانی عظیم‌الشان در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پرداخت و از آیت‌الله حکیم به عنوان مجدد نام برد و گفت: حکیم یگانه مرجع تاریخ تشیع است که هفت فرزند وی به شهادت رسیدند هرچند شمار شهدای بیت معظم حکیم تاکنون به ۶۵ نفر رسیده است.

جلسه چهارم به ریاست آقای محمد جعفری، عضو شورای عالی امنیت ملی، و با سخنان سید جواد طالب، مشاور سیاسی ابراهیم جعفری نخست‌وزیر سابق عراق، در مقاله‌ای با عنوان «اشغال عراق و تأثیرات منطقه‌ای» چنین آورده بود که عراق به ظاهر مستقل است ولی حرف اول را، در صحنه سیاسی، اشغالگران می‌زنند. ایشان معتقد است آمریکا تاکنون یک استراتژی مشخصی در عراق نداشته و یا شاید بتوان گفت بین دارد و ندارد قرار گرفته است. آقای طالب اهداف آمریکا در عراق و منطقه را چنین بیان می‌کند: ۱. نفت عراق، ۲. سیطره کامل اسرائیل در منطقه، ۳. بازسازی رژیمهای پوسیده منطقه.

وی در ادامه مقاله، آورده بود: آمریکا در منطقه زمین‌گیرتر خواهد شد و از واقعه عراق سود واقعی نبرده و یک کشور شکست‌خورده است؛ ولی باید توجه داشت که آمریکا شکست‌خورده جریحه‌دار شده است و این باعث می‌شود که مسئله دارای نتیجه قابل پیش‌بینی نباشد.

اما سخنران پایانی جلسه، آقای دکتر محمد جعفری، به بررسی آخرین تحولات عراق پرداخت. وی گفت: با روی کار آمدن صدام حسین، مبارزه شیعیان شدت بیشتری گرفت. از فروردین ۱۳۵۸ دستگیری رهبران و مبارزان شیعی شروع می‌شود و با اعدام شهید محمدباقر صدر و خواهر وی جلوه‌ای تازه به خود می‌گیرد، سخنران در ادامه، به دهه ۱۹۹۰ اشاره می‌کند که آغازی بسیار سیاه و سخت برای شیعیان عراق بود. تنها خواسته آنها احقاق حقوقشان بود. در مقابل، ما شاهد گورهای دسته‌جمعی شیعیان از آن دوران هستیم که این جنایات با حمایت آمریکا و کشورهای منطقه صورت می‌گرفت و در برابر این کشتارها دنیا سکوت کرد. در همین راستا، شیعیان به نتایج مطلوبی رسیدند که می‌توان به مواردی از آنها اشاره کرد:

۱. شیعیان به بی‌اعتمادی کامل به آمریکا رسیدند.
۲. در مورد میزان کینه برخی دولتهای عربی به شیعیان آگاه‌تر شدند.
۳. اطمینان پیدا کردند که رژیم بعث هرگز موافق با احقاق حقوق شیعیان نیست.
۴. از بیباکی و جسارت بعثیها در کشتار شیعیان آگاه شدند.



۵. به بی اعتنائی و بیمبالاتی قدرتهای جهانی از سرنوشت شیعیان و جنایات عظیم که در این منطقه صورت گرفت آگاه شدند.

۶. ضرورت یافتن راهی برای نجات از مرگ حتمی.

وی نتایج علمی مبتنی بر این نتیجه گیری شیعیان در داخل و خارج را چنین بیان می کند:
داخلی:

۱. کشاندن درگیریها از جنوب عراق و اطراف بصره به مرکز حکومت یعنی بغداد؛
۲. به جای سرکوب عناصر محلی به سمت عناصر اصلی حکومت حرکت کردن (تکرار عددی)؛

۳. ضرورت حضور سیاسی و فرهنگی (روی آوردن به مساجد و نماز جمعه ها).
خارجی:

رهبران سیاسی شیعه عموماً به این نتیجه رسیدند که عامل حفظ و بقا، صدام آمریکاست پس باید از همین راه صدام را نابود کنند چون آمریکا اجازه نداد ایران و انتفاضه عراق، صدام را نابود کند.

در پایان سخنرانی، حضار مدت یک ساعت، با مطرح کردن سؤالاتی در مورد آخرین تحولات عراق، به بحث و بررسی پرداختند و چند سؤال را نیز آقایان محمد جعفری و سید جواد طالب پاسخ دادند.

این جلسه رأس ساعت ۱۷:۳۰ پایان یافت.

همایش بررسی حوادث سیاسی آذربایجان (۱۳۲۵-۱۳۲۰ش)

همایش «بررسی حوادث سیاسی آذربایجان در سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۰ش، رأس ساعت ۹ صبح روز دوشنبه پانزدهم مرداد ۸۶ در محل مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران در تهران برگزار شد. در این همایش سخنرانانی از استادان و صاحب نظران آذری زبان استانهای آذربایجان شرقی و غربی و چند تن از پژوهشگران علاقه مند به مسائل آذربایجان حضور یافتند و به بیان نظرات خود پرداختند.

در ابتدای جلسه، آقای دکتر حسین احمدی دبیر همایش و مسئول حوزه مطالعات سیاسی خارجی مؤسسه، ضمن خوشامدگویی به حضار، با اشاره به تاریخ و تمدن ایران قبل و بعد از اسلام و جایگاه آذربایجانها، خواستار ادامه چنین همایشهایی شد. وی در ادامه، به استمرار حمایتهای مردم آذربایجان از کشور در جنگهای ایران و روس و سپس در دوره مشروطه پرداخت و گفت با تغییر نام آران به آذربایجان، به آرامی مشکلات در دو سوی مرزها در محافل خیری و در میان نخبگان مطرح گشت. در پایان، اهداف حوزه مطالعات سیاست خارجی را در روشن ساختن زوایای پنهان این حرکت با تکیه بر مدارک علمی و مستند بیان کرد.

جلسه اول به ریاست آقای دکتر رضا شعبانی آغاز شد. وی، ضمن مرور تاریخ آذربایجان، گفت: هر ملتی که رشد کرده و قوام یافته، مطمئناً علاقه مند به وطن خود بوده و به آن عشق می ورزیده است. نامبرده با بیان علاقه مندی خود به سرزمین آذربایجان افزود: «آذربایجان برای هر ایرانی با شوق یک چیز خاصی است چون حیثیت، آبرو، کانون غیرت، شهامت، دلاوری، پاکدلی و خانه اول هر ایرانی، آذربایجان است».

آقای کاوه بیات در این جلسه، در مقاله خود با نام «آشوبهای آذربایجان در مراحل نخست اشغال؛ پیش درآمدی بر ماجرای فرقه» به اتفاقات بعد از شهریور ۲۰ پرداخت.

وی گفت: در این زمان ما با یک نوع جهت دهنی از طرف روسها مواجه بودیم که می توان اعزام یک گروه ویژه تحت سرپرستی عزیز علی اف به آذربایجان ایران و نقش فعالانه این گروه را برای برهم زدن نظم و تشدید آشوبهای داخلی بیان کرد و گفت: عشایر آذربایجان هدف اصلی سیاستهای سرکوب نظامی رضا شاه و اسکان اجباری قرار گرفتند و بعد از شهریور ۱۳۲۰، درصد برگرداندن قدرت از دست رفته خود بودند و شروع به فعالیت کردند. در این زمان ما با فروپاشی نیروهای انتظامی مواجه هستیم و در همین زمان نیروهای اشغالگر مانع از تجدید قوای نظامی و تدابیر و اقدامات انتظامی شدند. نیروهای نظامی را تقلیل دادند، جلوی آشوبها را نیز نگرفتند. این اقدامات باعث



آشوبهای زیادی شد و این سیاست آنها بود در به آشوب کشیدن اوضاع. گروه اعزامی آنها شروع به طرح و بحث مسائل قومی، خواسته‌های قومی و انتشار نشریه وطن و... کردند و یک رشته خواسته‌های نامشروع را بیان نمودند که خمیرمایه تبلیغات فرقه قرار گرفت.

به هر حال، اوضاع به وضعیت دوران پایان قاجار برگشت و ناآرامی و آشوب مجدداً گریبانگیر منطقه، به خصوص روستاها، شد و فعالیتهای قوم‌گرایانه مجدداً شروع شد. نکته‌های پایانی:

۱. در مورد شروع این ماجرا اسناد و مدارک کافی وجود دارد که چرا این انگیزه در آذربایجان شروع شد.
۲. اینکه چرا این ماجرا به سرعت جمع شد هنوز اطلاعات کافی نداریم؛ ولی سه مسئله زیر می‌توانند دخیل باشد.

- ۱-۲. وضعیت جنگی شوروی (شوروی در حال عقب‌نشینی در برابر آلمانیها بود).
- ۲-۲. مذاکرات دیپلماتیک ایران با متفقین در تهران (پیمان سه جانبه نهم بهمین میان ایران، شوروی و بریتانیا که ایران تقریباً به جمع متفقین پیوست).
- ۳-۲. نگرانی شدید ترکیه در این دوران. فعالیتهای میرجعفر باقرزف یک مسئله دارد. در کنار تشکیل کمیته نجات، ۱۶ نفر را به باکو می‌برند و با گرفتن عکسهایی با استالین و...

این مسائل موجب نگرانی مقامات ترکیه می‌شود و اینها را دال بر حمله شوروی به ترکیه می‌دانند.

آقای سید محمد مسعود نقیب، رئیس سازمان اسناد ملی مدیریت شمال غرب کشور و پژوهشگر تاریخ و فرهنگ خلخال شرکت‌کننده بعدی بود که در مقاله خود با نام «خلخال و فرقه دموکرات آذربایجان»، ضمن اشاره به تاریخ و فرهنگ منطقه، به دو واقعه مهم در آذربایجان پرداخت:

۱. واقعه توده‌ایها ۲. واقعه فرقه دموکرات. وی گفت: واقعه اول در آبان ماه ۱۳۲۰، به محمد تقی خان امیراحمدی معروف به «محیش خان» مربوط می‌شود. او از فرزندان مالکان خلخال و دارای تحصیلات در رشته حقوق بود. به محض ورود نیروهای ارتش شوروی به خلخال با کل سرخ از آنها استقبال می‌کند و همراه با باقر فرمانده روسی، به روستای تبریز می‌رود و حمله به پاسگاه ژاندارمری آنجا و گردان نظامی منطقه را برنامه‌ریزی می‌کند و با کشتن ۱۲ ژاندارم و تصرف پاسگاه و به دست آوردن مقداری سلاح، آماده حمله به شهر خلخال می‌شود و در نهایت با حمله قوای دوتنی در مرز گیلان و خلخال، به قتل می‌رسد و غائله سرکوب می‌شود.

اما واقعه دوم، بعد از چند سال، به دست سید جعفر جوادزاده، معروف به «پیشه‌وری» در سال ۱۳۲۴ش با کمک شوروی و با مرام کمونیستی در منطقه آذربایجان و بخشی از زنجان و گیلان به وقوع می‌پیوندد که هدف اصلی او جدائی آذربایجان ایران و الحاق آن به آذربایجان شوروی (آران) بود که با رویگردانی مردم مذهبی و با ایمان خلخال از وی، به اهداف خود نرسید.

آقای مسعود عرفانیان، پژوهشگر ارشد تاریخ آذربایجان، در مقاله‌ای با عنوان «ایجاد بسترهای مناسب جهت تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان» چنین آورده بود: از اهداف مقامات حزب کمونیست آذربایجان کاملاً روشن می‌شود که آنها، از ابتدای ورود ارتش سرخ، دارای اهداف خاص و برنامه‌ریزی مدون و از پیش طراحی شده‌ای بودند. گرچه اعلام موجودیت و تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان در سال ۱۳۲۴ش در یک بیانیه به آگاهی همگان رسید، اما زمینه‌های پیدایش و بستر ایجاد آن به چند سال پیشتر از این تاریخ باز می‌گردد.

در سال ۱۹۲۹م، اتحاد شوروی دست به جمع‌آوری اطلاعات در مورد آذربایجان ایران می‌زند. در ۱۹۴۰م، نیروهای شناسائی شوروی تمام مناطق آذربایجان را مورد بررسی قرار دادند و در همین سال اداره پنجم شوروی تصاویر نظامی آذربایجان ایران را ترسیم و تمامی راهها و قلعه‌ها و معابر و... را شناسائی کرده بودند؛ و در ۱۹۴۱م، در

گزارشی که در ۲۱۶ صفحه تهیه شده بود، خلاصه اقتصاد آذربایجان ایران را مورد ارزیابی قرار داده بودند. تمامی این اعمال در آذربایجان ایران، زیر نظر میر جعفر باقراف صورت می‌گرفت.

جلسه دوم به ریاست دکتر منوچهر مرادی رئیس اداره آسیای مرکزی و قفقاز وزارت خارجه آغاز شد. وی برگزاری چنین همایش‌هایی را برای بازخوانی و شناخت تاریخ کهن این مملکت بسیار مفید ارزیابی نمود و گفت، از منظر سیاست خارجی، حافظه تاریخی یک ملت نسبت به کشور دیگر است و در روابط امروز ما با روسیه، حافظه تاریخی ما نسبت به روسها حافظه مثبت و خوبی نیست و از عهدنامه گلستان تا به امروز تاریخ خود گویای این امر می‌باشد.

در ادامه، آقای ابراهیم ناصحی، محقق و پژوهشگر تاریخ معاصر آذربایجان و مؤلف کتاب غانله آذربایجان در رهگذر تاریخ با ارائه مقاله‌ای با نام «تبریز و فرقه دموکرات آذربایجان» گفت: نیروهای ارتش سرخ در ساعت ۴ صبح سوم شهریور ۱۳۲۰، با حمله ناگهانی و کشتن مأموران مرزی، به ظاهر برای دسترسی به کمک‌های نیروهای متفقین، وارد خاک ایران شدند؛ ولی در اصل، این ورود خبر از توسعه‌طلبی می‌داد. آنها ضمن اینکه با تمهیدات قبلی، تعداد قابل توجهی جاسوس همراه با مهاجران به داخل خاک ایران فرستاده بودند، از جمله غلام یحیی، نقش مهمی در عملی شدن برنامه‌های ارتش سرخ ایفا کردند.

آقای مهندس سید مسعود پیمان از دیگر شرکت‌کنندگان این همایش، در مقاله «مراغه و فرقه دموکرات آذربایجان» به ابعاد شکل‌گیری فرقه دموکرات از جمله: اجحاف، بیعدالتی در نظام حکومتی ایران، نابسامانیها و تنگناهای اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم در کشور و حمایت گسترده نظامی، سیاسی و مالی فرقه از سوی دولت شوروی اشاره کرد و عوامل شکست حکومت پیشه‌وری را به شرح زیر، برشمرد:

۱. ناهمخوانی فرهنگی و دینی اشغالگران با اهالی و مردم مناطق اشغال شده؛
۲. عدم تحقق برنامه‌های اشغالگران، از جمله بهبود وضع معیشت؛
۳. تهدید جدی دولت آمریکا در صورت حمایت شوروی از فرقه؛
۴. تشتت و اختلاف عقاید در افکار فرقه با مولوتف؛
۵. بازی ماهرانه احمد قوام؛

۶. عدم قاطعیت شخص استالین در موضوع آذربایجان.

وی گفت: از یک عامل مهم و واقعیت انکارناپذیر، که عدم اقبال عمومی مردم آذربایجان از حکومت دموکراتها می‌باشد، نباید به سادگی گذر نمود؛ و در ادامه مبارزات

مرحوم سیداسماعیل پیمان اشاره کرد و عامل عمده و شاید تنها انگیزه مرحوم پیمان در طول مبارزاتش را اعتقادات شدید مذهبی وی به حساب آورد.

آقای دکتر مسعود بیات، استادیار گروه تاریخ دانشگاه ارومیه، در مقاله‌ای تحت عنوان «زنجان، همسویی اکثریتی با نیروهای ملی در بحران آذربایجان» ضمن اشاره به تاریخچه تأسیس اولین شعبه حزب توده در زنجان، نوشته بود: طبقات مختلف مردم زنجان در طول این سالها هر کدام به نوعی از عملکرد طرفداران مرام اشتراکی ناراضی بودند و به طرف مجموعه دولت مرکزی کشیده شدند. این طبقات عبارت بودند از: ضیف مالکین و زمینداران شامل خاندانهای ذوالفقاری، اعتماد امینی، ضیایی، افشار و بیگلرلوها، طیف روحانیون، که به عقاید سکولار توده‌ایها و عدم اعتقاد به مالکیت انتقاد می‌کردند و از همان ابتدا، در مقابل آنان قرار گرفتند. کشاورزان نیز اقبال چندانی به وعده‌ها و اقدامات آنها نشان ندادند.

بازرگانان و کسبه نیز به دلیل اینکه دموکراتها مخالف سرمایه‌داری بوده و آنان را استثمارکننده طبقه کارگر می‌دانستند و هم‌چنین با برگزاری میتینگها و به تعطیلی کشاندن کارخانه‌های موجود از آنها رویگردان بودند و در مخالفت با فرقه‌ایها و در یک اقدام هماهنگ از به کار بردن پول ابداعی دموکراتها به جای پول ملی خودداری کردند. مردم عادی نیز از تسلط روسها به علت دست‌درازی به اموالشان ناراضی بودند و آنها را مسبب قحطیهای موجود می‌دانستند.

جلسه سوم همایش رأس ساعت ۱۳:۳۰ به ریاست آقای دکتر سید مسعود نقیب آغاز شد. وی ضمن تشکر از مسئولان مؤسسه تاریخ معاصر ایران و برگزارکنندگان این همایش، برگزاری چنین جلساتی را مفید دانسته پیشنهاد کرد که برگزاری همایشهایی از این دست در آینده نیز ادامه داشته باشد.

سپس آقای دکتر پیروز رفیعیان، با اشاره به روند تحولات و «مبارزات ملی مردم مرنند در برابر فرقه دموکرات آذربایجان»، گفت: «اوتش سرخ، پس از اشغال شمال ایران در شهریور ۱۳۲۰ به کمک عوامل خود که در سالهای گذشته تحت عنوان مهاجر راهی ایران شده بودند، با اعزام گروههای فرهنگی، امنیتی و سیاسی، فعالیتهای گسترده‌ای را برای تجزیه ایران شروع کرد. اشغالگران بر آن بودند تا، با قتل و خونریزی، سلطه عوامل وابسته به خود را مستحکم نمایند. در آن ایام مرنند به قتلگاه فرقه دموکرات معروف شده بود؛ زیرا هر کسی با فرقه به مخالفت می‌پرداخت دستگیر و محاکمه و حتی اعدام می‌شد و شهید حجت‌الاسلام شیخ محمدحسن رفیعیان را از جمله کسانی معرفی کرد که علناً به مخالفت با بیگانگان روسی و عوامل آنها پرداخت و سرانجام به دست عوامل فرقه ترور شد.

آقای حسین دوستی، محقق و پژوهشگر تاریخ و فرهنگ ارسباران، شرکت‌کننده بعدی بود که در مقاله خود با نام «هسته‌های مقاومت در ارسباران در مقابل بیگانگان»، ضمن اشاره به تاریخ و فرهنگ منطقه، روز سوم شهریور ۱۳۲۰ش را برای ارسباران روزی ناخوشایند و فراموش‌نشدنی دانست. وی گفت: هواپیماهای روسی خانه‌های مردم را بمباران می‌کردند و مردم زیر آوارها در آتش می‌سوختند. نزدیک به یکصد نفر از مردم بیگناه کشته شدند، شهر به تصرف نیروهای شوروی درآمد و مسجد صاحب‌الامر به اصطبل اسبهای آنها تبدیل شد. آنگاه به تشکیل هسته‌های مردمی در مقابله با نیروهای بیگانه اشاره می‌کند که مردم داوطلبانه اسلحه به دست می‌گرفتند و در برابر بیگانگان ایستادند و شهید شدند. یکی از این هسته‌ها به دست یک زن به نام پریزاد شکل گرفت.

وی در ادامه سه هسته مقاومت که از شهریور ۱۳۲۰ تشکیل شد را نام برد:

۱. هسته علمی، فرهنگی در اهر به توسط حاج سیدکاظم طباطبائی کوه کمره‌ای مجتهد اهری که به تشکیل حزب اسلامی در برابر تبلیغات فرهنگی حزب توده اقدام کرد؛
۲. هسته مقاومت عشایر به توسط عبدالله خان رئیس ایل محمدخانلو، هسته مقاومت نظامی در دو دهکده نوار مرزی؛

۳. هسته مقاومت به توسط یکی از خانهای منطقه به نام سید محمد حسینی که ایلات حسن‌آباد را مسلح نمود و به مقابله با اشغالگران پرداخت.

اصغر حیدری، کارشناس ارشد ایران‌شناسی و محقق و پژوهشگر تاریخ، در مقاله‌ای با نام «فعالیت فرقه دموکرات آذربایجان در شهرستان سراب» به شرح فعالیت‌های فرقه دموکرات در شهرستان سراب پرداخت و گفت: غلام یحیی دانشیان (شخص دوم فرقه دموکرات و اهل سراب) از سالها قبل عضویت جوانان حزب کمونیست را در باکو پذیرفته بود و پس از بازگشت به ایران به جاسوسی در مراغه و میانه به نفع کمونیستها مشغول بود. وی گفت دموکراتها شروع به تغییر اسامی به ترکی آذربایجانی، ترکی سازی تابلوها، تغییر کتب درسی به زبان ترکی و اجباری کردن خدمت نظام برای جوانان کردند و به نام مبارزه با سرمایه‌داری و حذف خان‌خانی چند تن از اربابهای دهات و ثروتمندان شهر را به دار آویختند.

جلسه چهارم به ریاست آقای دکتر موسی حقانی، مدیر پژوهش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و سردبیر فصلنامه تاریخ معاصر ایران آغاز شد. ایشان، پس از ذکر مقدماتی، گفت: هدف ما صرفاً بررسی یک مسئله تاریخی نیست، بلکه هدف شناخت مخاطراتی است که کشور ما را در گذشته و در زمان حال تهدید



می‌کرده و می‌کند. ما باید مسائل را بهتر بشناسیم و از تجربه‌های گذشته درس گرفته به فکر آینده باشیم. مردم آذربایجان هرگز به فرقه‌ایها دل نبستند، فرقه‌ای که هرگز مشروعیت و زمینه مردمی برای حکومت نداشت؛ و همچنین ریشه‌دار بودن اسلام و تشیع در آذربایجان از مطالبی است که باید به آن توجه داشت.

وی در ادامه، به نقش انگلیس در مورد فرقه پرداخت و گفت: اسناد و مدارک اشاره به حمایت آنها از فرقه دارد. چنانچه در دوازدهم اسفند ۱۳۲۴ وزیر امور خارجه انگلیس در مجلس عوام به قرارداد ۱۹۰۷ می‌پردازد. آنها در صدد تجزیه ایران بودند و بعد از حدود سه دهه می‌گویند ما باید به تکثر زبان و قومیتها در ایران توجه داشته باشیم. ایشان در پایان، به این نکته اشاره کردند که فرقه دموکرات آذربایجان و کردستان در آن زمان به فکر تجزیه بودند که با هوشیاری و تدبیر بعضی از سران کشور مسائل حل و فصل شد. آقای میرنبی عزیززاده، کارشناس ارشد تاریخ و پژوهشگر تاریخ دشت مغان و شاهسونها و نویسنده تاریخ دشت مغان در مقاله‌ای با عنوان «مبارزه عشایر شاهسون آذربایجان با عناصر فرقه دموکرات و نیروهای شوروی»، ضمن اشاره به رشادتها و مبارزات عشایر در تاریخ پانصد ساله و خاطرات زیاد در جنگ با عثمانی و روسها آورده بود: عشایر شاهسون از جنگ چالدران کارنامه خوبی برای فعالیت خود دارند. جنگجویان شاهسون به کمک مرزداران در شهریور ۱۳۲۰ با تعداد اندکی سلاح که در

اختیار داشتند در برابر دشمنان این مرز و بوم دفاع کردند و در ایام اشغال مناطق شمال کشور، آنها تحت رهبری روحانیون منطقه و پیروی از فتوای آیت الله العظمی آقا سید یونس موسوی نجفی، مبنی بر جهاد، دخترهای حزب توده را در اردبیل به آتش کشیدند و از گسترش فعالیتهای آنها در شهرهای آذربایجان، به ویژه در قلمرو زندگی طایفه های شاهسون، جلوگیری کردند. طی درگیریهای متعدد، ضربات مهلکی بر پیکر فرقه دموکرات آذربایجان وارد کردند و تعدادی از جنگجویان خود را فدای خاک ایران کرده بار دیگر بر صفحات تاریخ درخشان بیگانه ستیزی خود برگ زرینی افزوده آذربایجان سرافراز را از تعدی بیگانگان محفوظ داشتند.

آقای محمدرضا قلی زاده، معاون بنیاد ایران شناسی شعبه آذربایجان غربی، سخنران پایانی این همایش یکروزه بود که در مقاله ای با عنوان «فرقه دموکرات و تجزیه آذربایجان، روایتی از دیروز، پندی برای امروز» آورده بود: از دوره مشروطه تا روی کار آمدن رضاشاه، تجاوز عثمانی و کردهای وابسته به آنها، این منطقه را به شدت ناامن کرده بود. برای مردم منطقه ارومیه امنیت مسئله مهمی بود در اولویت قرار داشت، چون مردم این منطقه در نتیجه تجاوزات عثمانیها با ناامنی روبه رو بودند. در زمان جنگ جهانی دوم، ارومیه خط مقدم نیروهای درگیر در جنگ بوده است. سپس به چگونگی پیدایش فرقه دموکرات با توجه به کتاب فراز و فرود فرقه دموکرات نوشته دکتر حمیل حسنی پرداخت و در پایان به انتقاد از عملکرد بعضی اشاره کرده و نوشته بود که بعضیها هیچ آشنایی ای نسبت به تاریخ، به ویژه تاریخ معاصر ایران، ندارند و با برنامه ریزیهای غیرعلمی و کارشناسی نشده، متأسفانه، به یک رشته مسائلی می پردازند که به نفع منافع ملی جمهوری اسلامی ایران نمی باشد.

در پایان جلسه، حضار مدت یک ساعت به بحث و تبادل نظر در مورد مسائل و موضوعات مطرح شده پرداختند. این جلسه در ساعت ۱۷ پایان یافت.

پرتال جامع علوم انسانی

همایش جوادخان گنجه ای مرزدار ایرانی قفقاز

همایش «جوادخان گنجه ای مرزدار ایرانی قفقاز» رأس ساعت ۹:۱۵ صبح یکشنبه بیست و پنجم آذر ماه ۱۳۸۶، در محل مؤسسه تاریخ معاصر ایران در تهران برگزار شد. دکتر حسین احمدی، دبیر همایش و مسئول حوزه سیاست خارجی مؤسسه، ضمن

خوشامدگویی به حضار و سخنرانان، ضمن گزارش چگونگی شکل‌گیری این همایش و همایشهای برگزار شده قبلی گفت: اهداف اصلی مؤسسه تاریخ معاصر ایران در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است و هدف ما تقویت نقاط مثبت و چالش‌برانگیز می‌باشد. وی در ادامه افزود: بعد از نادرشاه و تا روی کار آمدن آغامحمدخان قاجار، کشور ما عملاً با حکومت‌های منطقه‌ای و ضعیف اداره می‌شد و می‌توان گفت سامان‌دهنده این وضعیت آغامحمدخان قاجار بود.

وی گفت: جوادخان گنجه‌ای مرزدار ایرانی بود که می‌دانست اگر به سمت روسها برود منافع بهتری برای خود و خانواده‌اش در برخواهد داشت؛ ولی متوسل به چنین امری نگشت و در سنگر دفاع از کیان و امنیت این سرزمین جان خود و بعضی از افراد خانواده‌اش را از دست داد.

جلسه اول به ریاست آقای دکتر موسی حقانی، مدیر پژوهش مؤسسه و سردبیر فصلنامه تاریخ معاصر ایران، آغاز شد. وی گفت: جوادخان گنجه‌ای شجاعانه در برابر تجاوزات روسها ایستاد و از زمره شهیدان این مرز و بوم است. ضرورت دارد که این‌گونه پژوهشها در این زمینه انجام گیرد تا نسل جدید با آنها آشنائی پیدا کنند و یاد و خاطره این دلاورمردان تاریخ برای همیشه زنده و جاودان باقی بماند. وی در پایان گفت: ما در برهه‌ای از تاریخ قرار گرفته‌ایم که کشورهای همسایه اقدام به سرقت مشاهیر ما به نام خود می‌کنند و این پژوهشگران هستند که باید با کارهای مفید خود جلوی این اقدام را بگیرند.

آقای محمد بهمنی قاجار، پژوهشگر قفقاز و نبیره بهمن میرزا پسر عباس میرزای قاجار، در مقاله خود با نام «تبار و دوستان جوادخان زیاد اوغلی قاجار» به بررسی این خاندان پرداخت. در این مقاله آمده بود: خاندان زیاد اوغلی، از زمان حکومت صفویه تا دوره قاجاری حاکمان این منطقه (قفقاز) بودند و همواره ایرانخواهی خود را نشان می‌دادند. برای آنها حکومت‌کننده مهم نبود؛ آنها به وطن وفادار بودند و به آن عشق می‌ورزیدند. اولین فرد این خاندان خضربیک مشهور به قاری میش خضر بود که از آناتولی به ایران آمد به قصد خدمت به شاه اسماعیل، ولی عمرش وفا نکرد و در لاهیجان درگذشت. پسر ارشد او امت بیگ به خدمت شاه اسماعیل رسید و به خاطر خلوص اعتقاد و وفور خدمت ملقب به «زیاد اوغلی» گردید؛ و به این ترتیب خاندان زیاد اوغلی به خدمت شاهان صفوی درآمدند، تا اینکه در دوره شاه تهماسب، شاهوردی خان پسر امت‌بیگ به حکمرانی ایالت قراباغ به مرکزیت گنجه و ملقب به بیگلربیگی این قاجار گردید و به این ترتیب حکمرانی این خاندان، که نزدیک به ۳۰۰ سال دوام داشت،



در سال ۱۲۰۰ هـ قمری در اختیار جوادخان گنجه‌ای قرار و تا سال ۱۲۱۸ هـ قمری ادامه داشت. در این سال در هنگام تهاجم سپاهیان روس به شهر گنجه (در آغاز جنگ اول ایران و روس) همراه با فرزند ارشدش حسینقلی خان کشته شد.

آقای علی پورصفر پژوهشگر قفقاز، دومین سخنران جلسه بود. وی در مقاله خود «قلمرو خاندان زیاد اوغلی قاجار» آورده بود: در حدود پانصد سال پیش حکومت خاندان زیاد اوغلی قاجار در گنجه و قراباغ شکل گرفت و حدود سیصد سال دوام آورد. قاجارهای گنجه و قراباغ در آن زمان از بزرگ‌ترین ایلات چادرنشین بودند و نسبت به سایر ایلات و طوایف امتیاز و اعتبار بیشتری داشتند تا آنجا که به نقل از باکیخانف مردم داغستان، اهالی گنجه و قراباغ را کلاً قاجار می‌نامیدند و چنین موقعیتی پس از آنکه با قابلیت‌ها و شجاعت‌های جنگی ترکیب گردید موجب آن شد که شاه تهماسب اول حکومت گنجه و قراباغ را در اختیار خاندان زیاد اوغلی قاجار قرار دهد. امت بیگ پسر خضر بیگ قاجار، از صوفیان معروف به صوفیان لاهیجانی، به سبب خدمات و رشادتهای جنگی از جانب شاه اسماعیل اول به «زیاد اوغلی» ملقب شد و شاهوردی سلطان، پسر وی، در اوایل سلطنت شاه تهماسب اول به حکومت گنجه و قراباغ منصوب گردید و یکی از بزرگ‌ترین حکومت‌های موروثی محلی را در قسمتی از منطقه‌ای که امروزه جمهوری آذربایجان در آن برقرار است، به وجود آورد.

وی در ادامه افزوده بود: استیلای عثمانیها بر گنجه و قزاق در سال ۹۹۷ هـ ق/ ۱۵۸۸ م باعث شد که محمدخان زیاد اوغلی حاکم آن منطقه به اسارت دولت عثمانی درآید؛ ولی بعدها براساس معاهده‌ای که میان عثمانیها و دولت صفوی منعقد گردید از اسارت آزاد شد. در سال ۱۰۱۵ ق با پیروزی شاه عباس صفوی بر قوای عثمانی، محمدخان زیاد اوغلی دوباره به حکومت آن نواحی نشست و در سال ۱۰۳۶ مجدداً، به دستور شاه عباس، برای مدتی حکومت آن منطقه به داودخان پسر اللهوردی خان بیگلربیگی معروف فارس و کهگیلویه واگذار شد. این دوران دیری نپائید و این بار محمدقلی خان زیاد اوغلی به حکومت رسید؛ اما با سقوط شاه سلطان حسین صفوی و چیرگی افغانها بر ایران، حکومت این خاندان متزلزل شد تا زمان نادرشاه که این تزلزل از میان رفت و دوران جدیدی آغاز شد و اغورلوخان زیاد اوغلی پسر کلبعلی خان که در اردوی نادر بود به حکومت گنجه منصوب شد، تا اینکه در سال ۱۲۰۰ هـ ق جوادخان گنجه‌ای بر مسند حکمرانی این منطقه نشست. نیمه دوم دوران حکومت او مقارن بود با پیشروی روسها در ماوراء قفقاز که فرمانده نظامی روس در سال ۱۲۱۱ ق از حکام محلی ماوراء قفقاز خواست که به اطاعت دولت روسیه درآیند. در این دوزخ جوادخان ابتدا خواسته وی را اجابت کرد؛ اما در سال ۱۲۱۷ یا اوایل سال ۱۲۱۸ ق، سیسیانف، ضمن مکاتبه‌ای با جوادخان، خواستار تحویل حکومت گنجه به دولت گرجستان شد که با مخالفت و مقاومت جوادخان روبه‌رو گردید. جوادخان در جواب سیسیانف نوشت که من زمانی به اطاعت دولت روسیه درآمده بودم که پادشاه ایران در خراسان به سر می‌برد؛ اما امروز، پادشاه ایران در نزدیکی ماست و یکی از سرداران خود را به خدمت وی فرستاده است. سیسیانف در رمضان سال ۱۲۱۸ ق، به گنجه حمله کرد و با مقاومت جوادخان روبه‌رو گردید تا اینکه در روز عید سعید فطر سال ۱۲۱۸ هـ ق همراه با یکی از پسران و چند تن از بستگان و گروهائی از مردم گنجه کشته شد و سلسله حکام موروثی زیاد اوغلی منقرض شد و قلمرو آنان ضمیمه امپراتوری روسیه تزاری گردید.

آقای مسعود عرفانیان، پژوهشگر تاریخ آذربایجان، در مقاله خود تحت عنوان «جوادخان گنجه‌ای به روایت منابع و مآخذ جمهوری آذربایجان»، ضمن تشکر از مسئولان مؤسسه تاریخ معاصر ایران برای برگزاری چنین همایشهائی گفت: قفقاز مرکزی و جنوبی همواره جزئی از سرزمین ایران بوده. با زیاده‌خواهیهای روسها، تجاوزات به این مناطق آغاز گردید که زمینهٔ پیکارهای میان ایران و روس شد. آغامحمدخان قاجار در برابر تجاوز روس واکنش نشان داد و در برابر آنها ایستادگی نمود ولی عمرش وفا نکرد. جوادخان که از حکام و طرفداران دولت ایران بود با سربازان زیر

فرمان خود به جنگ با روسها پرداخت و از دولت ایران نیز درخواست کمک کرد. سردار روس، که از دست یافتن به شهر گنجه ناامید شده بود، با پیشنهادهای مختلف می‌خواست او را به تسلیم وادارد که موفقیتی به دست نیاورد. در این میان، یکی از نزدیکان جوادخان به نام نصیب بیگ شمس‌الدین‌لو به یاری تعدادی از ارمنیها، راه بر سپاه روس گشود و پس از ساعتها درگیری، جوادخان و پسرش کشته شدند و گنجه به دست سیسیانف سردار روس افتاد.

از جوادخان گنجه‌ای در منابع جمهوری آذربایجان تصویری دیگر ارائه شده، و از او به عنوان یک آذربایجانی که در دفاع از تمامیت ارضی آذربایجان به شهادت رسیده نام برده شده است. مورخان و نویسندگان جمهوری آذربایجان با تحریف واقعیات و چشم بستن بر روی انبوهی از حقایق تاریخی به این رویدادها جنبه ضد ایرانی داده‌اند.

جلسه دوم رأس ساعت ۱۰:۵۰ دقیقه به ریاست آقای دکتر صدری، رئیس اداره اول وزارت امور خارجه، آغاز شد. وی گفت: از زمانی که روسها از حالت تفرقه خارج شدند و توجه آنها به جنوب معطوف شد در این دوران در ایران اگر گذر کوتاهی، صرف‌نظر از صفویه و نادر، کنیم می‌توان گفت دوران افول ایران زمان قاجاریه است و عثمانیها بار دیگر بازیگر منطقه بودند و آنها نیز بعدها ضعیف شدند. به هر حال، این تاریخ غمناک منطقه است. حال آنچه ما امروز با آن مواجه هستیم این است که این مناطق بعد از بلشویکها مطرح شدند و به دنبال ماهیت خود بودند. چون این مناطق، خان‌نشین و زیر سلطه فرهنگی و سیاسی ایران بودند، امروزه اندیشمندان و دانشمندان آسیای میانه و قفقاز می‌خواهند آنها را به نام خود کنند و درصدد از بین بردن تاریخ و فرهنگ گذشته ما هستند.

دکتر رحیم رئیس‌نیا در مقاله «جوادخان گنجه‌ای در برابر روسها» آورده بود که خان‌نشین گنجه هم مثل دیگر خان‌نشینهای قفقاز، پس از مرگ نادرشاه در سال ۱۱۶۰/۱۷۴۷م تشکیل شد. بنیادگذار این خان‌نشین، شاهرودی خان زیاد اوغلی بود و آخرین خان آن نیز جوادخان گنجه‌ای است. او در امر تصرف تفلیس که آغامحمدخان در سال ۱۲۰۹/۱۷۹۵م، برای تنبیه حاکم گرجستان، که با بستن عهدنامه گنورگیفسک (۱۷۸۳) با روسها حمایت آنها را پذیرفته بود، شرکت کرد. اما زمانی که روسها توجه خود را به سمت جنوب معطوف کردند، جوادخان ابتدا به قبول سروری روسها گردن نهاد. این دوران تا لشکرکشی سیسیانف ادامه داشت. پیش از لشکرکشی، نامه‌هایی بین جوادخان و سیسیانف ردوبدل شده است که روشنگر زمینه درگرفتن جنگ و تسلیم شدن جوادخان به سپاه روس است. جوادخان می‌گوید: من زمانی تابع پادشاه روس

شدم که شاه ایران در خراسان بود و چون در آن تاریخ دور از دسترس بود، من صلاح در آن دانستم که تابع پادشاه روس بشوم؛ اما اکنون خدا را شکر که شاه ایران دور از اینجا نیست، سردار بزرگی که ایشان فرستاده اند اینک در اینجا است. سربازان اعرامی هم در راه هستند... به هر حال، جوادخان و پسرش در جنگ کشته می شوند و اوغورلوخان، پسر دیگر جوادخان که از مهلکه جان سالم به در برده بود، به ایران پناهنده شد و در سال ۱۲۴۱ در جنگهای ایران و روس، به فرماندهی عباس میرزا، گنجه را تصرف کرد و یک سال بعد مجدداً به حکمرانی آنجا منصوب گردید.

محمدعلی بهمنی قاجار، پژوهشگر تاریخ، در مقاله «فرزندان و بازماندگان جوادخان گنجه‌ای»، ضمن اشاره به کشته شدن جوادخان گنجه‌ای به دست نیروهای روسی آورده بود، گفت: این خاندان، به ویژه فرزندان جوادخان، همچنان در معادلات سیاسی قفقاز تأثیرگذار بودند. از فرزندان جوادخان عده‌ای به روسیه تبعید شدند و برخی هم به ایران پناه آوردند. بازماندگان وی در عصر تزاری و جمهوری اول آذربایجان، علایق خود را به ایران حفظ کرده و روابط دوستانه‌ای با عموزادگان خود یعنی شاهزادگان قاجار همچون فرهاد میرزا و بهمن میرزا داشتند. بعدها اسماعیل خان که از آزادیخواهان و فعالان سیاسی ضد تزار بوده، به نمایندگی مجلس دو مانیخ انتخاب می‌گردد و بعدها از سوی دولت روسیه تزاری دستگیر می‌شود و برای مدتی به زندان می‌افتد. وی پس از تشکیل اولین جمهوری آذربایجان، به سفارت این جمهوری در ایران انتخاب شد و با دولت ایران جهت بازگشایی مدرسه‌های فارسی زبان در جمهوری آذربایجان همراهی نمود. از دیگر نوادگان جوادخان، عادل خان برادر اسماعیل خان بود که از اواسط دهه ۱۹۰۰م به فعالیتهای سیاسی وارد می‌شود. وی در دولت جمهوری آذربایجان به معاونت وزارت امور خارجه انتخاب می‌شود. با پایان عمر جمهوری آذربایجان، اسماعیل خان از طرف روسها کشته می‌شود و عادل خان نیز که زمانی به عنوان سفیر جمهوری آذربایجان در ایران بود، ماندگار شد و در سازمانهای اداری از قبیل اداره فلاح، وزارت فوائد عامه و یا راه آهن خدمت کرد. وی یک ضد روس تمام عیار و دل بسته به نیاکان خود بود. ایران را میهن مادری خود می‌دانست و به بزرگان تاریخ آن عشق می‌ورزید و آنها را وجودهای مقدس می‌شمارد.

آقای دکتر حسین احمدی، استادیار دانشگاه و مسئول حوزه سیاست خارجی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و دبیر همایش، در مقاله‌ای با عنوان «قربابغ‌نامه‌ها؛ ایرانگرانی جوادخان گنجه‌ای»، ضمن تشکر از شرکت‌کنندگان، نوشته بود: قبل از روی کار آمدن نادرشاه، قربابغ در قلمرو خاندان زیاد اوغلی قاجار بود. نظریه تقابل نادرشاه با خاندان قاجار، وی، ضمن خارج کردن قربابغ از قلمرو خاندان زیاد اوغلی با اعطای

القاب اشرافی، ملیکهای خسته را در قریاباغ در جهت تضعیف خاندان زیاد اوغلی، ایجاد کرد؛ ولی این امر منجر به رویارویی این خاندان با ایران و حتی نادرشاه نشد. وی در ادامه آورده بود: از زمان فوت نادرشاه تا شروع حکومت آغامحمدخان قاجار، ایران رسماً تسلطی بر منطقه قفقاز نداشت ولی با روی کار آمدن آغامحمدخان اوضاع دگرگون گردید. وی گفت: همکاری جوادخان گنجه‌ای با آغامحمدخان در منطقه و بردن آغامحمدخان به قلعه شوشی و تغلیس کاملاً روشن و مشهود است. حضور سیسیانف در قفقاز باعث هراس و وحشت اکثر خانها و در نتیجه امضای قراردادهای متعددی با فرمانده روس شد، اما جوادخان به هیچ عهدنامه‌ای در برابر روسها تن در نداد. جواد خان اهداف توسعه طلبانه روسها را به خوبی فهمیده بود. او می دانست که روسها دروغ می گویند و این نشان از درایت جوادخان است. این نشان از تقابل سیاستهای جوادخان با واکرها، و سیاست اتحاد با ایرانگراهاست. وی در یک دوره به سمت روسها رفت ولی با فهمیدن اهداف آنها، از روسها دوری کرد و جان خود را در دفاع از ایران از دست داد.

در این مقاله همچنین آمده بود: سیاست روسها درگیر کردن قومیتها با یکدیگر بود تا خودشان بتوانند به راحتی حکومت کنند. آنها نخجوان آذری را به ارمنستان واگذار کردند و قریاباغ ارمنی نشین را به آذربایجان. مطالعاتی که در داخل جمهوری آذربایجان صورت گرفته قابل استناد نیست چون آنها، بدون در نظر گرفتن اصول اخلاقی در تاریخ، دست به تحریف تاریخ و وارونه نویسی آن زده اند.

دکتر صدری، در پایان، ضمن اشاره به سخنرانی دکتر حسین احمدی، گفت: جناب آقای احمدی به نکات برجسته‌ای اشاره کردند، ما نباید به مسئله ترک و فارس به سادگی نگاه کنیم. جوادخان گنجه‌ای ترک زبان بوده و خودش را ایرانی می دانسته و جدائی بین ترک و ایرانی بودن امری است که روسها، به دلایل سیاسی، به آن دامن می زده اند. اگر به تاریخ نگاه کنیم از زمان غزونیان به این طرف، حاکمان ایران ترک زبان بوده اند ولی خود را ایرانی می دانسته اند. بنابراین، باید بسیار هوشیار باشیم و محققان باید به این زمان و برهه حساس دقت بیشتری داشته باشند و حقایق تاریخ را روشن کنند.

در ادامه، آقای محمدعلی بهمنی، با گرفتن وقت کوتاهی از رئیس جلسه، گفت: سیاست جوادخان به دو برهه زمانی معطوف می شود. ۱. قبل از نابودی خاندان گرجی، که وی سیاست مماشات با روسها و عدم عصبانی کردن آنها را در پیش گرفت؛ ۲. بعد از نابودی خاندان گرجی، جوادخان متوجه می شود که اهداف روسها چیز دیگری است و دیگر صحبت از مماشات نمی کند چون می فهمند که سیسیانف گرجی روسی شده درصدد تغییر هویت فرهنگی منطقه است و از این زمان به بعد است که سیاست قاطعانه خود را در پیش می گیرد و به جنگ با سیسیانف می پردازد. این جلسه در ساعت ۱۲ پایان یافت.

